## خبر

### افزایش مرگ و میر ناشی از سرطان در کشور

**مهر:** رئیس انجمن سرطان ایران نسبت به افزایش موارد مرگ و میر در کشور به دلیل ابتلا به سرطان‌ها در سال‌های آینده هشدار داد. دکتر عبدالله فضعلی‌زاده گفت: هم‌اکنون سرطان‌ها سومین علت مرگ و میر در کشور محسوب می‌شود اما با روند کنونی در سال‌های آینده یکی از دلایل اصلی مرگ‌ومیر در کشورمان ابتلا به سرطان است. وی افزود: هرم جمعیتی کشور در چند دهه آینده به سمت افزایش جمعیت کهنسال پیش می‌رود و با توجه به اینکه ۶۰ درصد سرطان‌ها، افراد بالای ۶۰ سال را مبتلا می‌کند ضرورت آگاه‌سازی خانواده‌ها بیش از پیش احساس می‌شود. فضعلی‌زاده با اظهار نگرانی از رشد فزاینده بیماران سرطانی در کشور گفت: سرطان به عنوان یکی از معضلات جامعه بشری با تهدید انسان‌ها در تمام گروه‌های سنی، سبب خسارات جانی و مالی فراوانی می‌شود که کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. وی از سرطان سینه به عنوان اولین و شایع‌ترین سرطان زنان بعد از سرطان پوست در کشور نام برد و افزود: سن ابتلا به این بیماری در میان زنان ایرانی ۵ تا ۱۰ سال کمتر از دیگر کشورهاست. رئیس انجمن سرطان ایران با اشاره به آمار سازمان جهانی بهداشت که نشان می‌دهد ۱۸ تا ۲۲ درصد مردم در طول عمرشان مبتلا به سرطان می‌شوند، گفت: بر همین اساس از مجموع جمعیت ۷۵ میلیونی کشور حدود ۱۵ میلیون بیمار سرطانی خواهیم داشت. وی از آمار ۳۰ درصدی مرگ و میر ناشی از سرطان‌ها در کشور به علت مصرف سیگار خبر داد و گفت: ۳۰ درصد مرگ‌های ناشی از سرطان و ۹۰ درصد از دلایل ابتلا به سرطان ریه و سایر سرطان‌ها ناشی از استعمال مواد دخانی است.

### آخرین وضعیت رئیس سازمان جوانان

**فارس:** وضعیت جسمانی فرحناز ترکستانی که از دو روز پیش با تشدید استرس‌ها وخیم شده و به همین علت در بخش سی‌سی‌یو بیمارستان بستری شده بود، دیروز با بازگشت هوشیاری رو به بهبود رفت. خانم ترکستانی گزینه پیشنهادی رئیس سازمان ملی جوانان از دیروز در پی از دست دادن درصدی از هوشیاری خود به علت استرس در بخش سی‌سی‌یو بیمارستان بستری شده است که طبق اطلاعات کسب‌شده دیروز هوشیاری خود را به دست آورد. وی قبلاً به علت عمل جراحی سنگین و عفونت ریه در بیمارستان بستری شده بود و وضعیت جسمانی خوبی نداشت که این بار با استرس‌های شدید توام شد. علاوه بر این بیماری سرماخوردگی نیز بر مشکلات وی افزوده و منجر به، به هم خوردن حال و از دست دادن هوشیاری نامبرده شد. فرحناز ترکستانی هم‌اکنون در بخش سی‌سی‌یو بیمارستان بستری است و احتمالاً با ادامه بهبود وضع موجود به بخش عادی منتقل می‌شود. فشارهای روحی به نامبرده برای پذیرش مسوولیت سازمان ملی جوانان استرس‌های وی را تشدید کرد و از آنجا که وی از یک طرف حاضر به پذیرش مسوولیت نبود و از سوی دیگر احساس می‌کرد که ممکن است عدم پذیرش مسوولیت مساله‌ای سیاسی برای دولت پدید آورد و این موضوع مورد سوءاستفاده قرار گیرد، این استرس‌ها شدیدتر شد. حمیدرضا بقایی رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری برای پذیرش این مسوولیت فشار روحی شدیدی به ترکستانی وارد کرده بود.

### افت تحصیلی، اختلال در یادگیری، ریزش مو و بی‌حالی عوارض فقر آهن

**شرق:** در سال تحصیلی جاری بیش از ۱۹۵ هزار دانش‌آموز در استان خراسان رضوی زیر پوشش طرح آهن‌یاری قرار دارند. به گزارش وبدا، مسوول بهبود تغذیه مرکز بهداشت خراسان رضوی گفت: در این طرح که از ابتدای آبان‌ماه آغاز و به مدت چهار ماه ادامه می‌یابد، تمامی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه و ۵۰درصد دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی زیر پوشش این طرح قرار می‌گیرند. مسوول بهبود تغذیه مرکز بهداشت خراسان رضوی بی‌حوصلگی، افت تحصیلی و اختلال در یادگیری، ریزش مو، بی‌حسی و بی‌حالی را از اثرات سوءفقر آهن برشمرد.

### مصوبات دیروز هیات نظارت

**شرق:** هیات نظارت بر مطبوعات در جلسه روز گذشته خود با تغییر صاحب امتیازی ۱۷ نشریه موافقت کرد و به چند نشریه هم تذکر داد. در این نشست به نشریه «رویش» به دلیل استفاده ابزاری از افراد در تصاویر و انتشار نشریه برخلاف زمینه مصوب، به استناد بند ۱۰ ماده ۶ و بند ب ماده ۷ قانون مطبوعات، اخطار جدی داده شد. نشریه «چه خبر» به دلیل انتشار مطلبی با عنوان «طراوت» به استناد بند ج ماده ۷ قانون مطبوعات تذکر گرفت. نشریه «رونا» نیز به دلیل انتشار و توزیع سی‌دی همراه با نشریه، بدون اخذ مجوز از وزارت ارشاد و نشریه «خط فاصله» به دلیل عدم پایبندی به رسالت مطبوعاتی، مطابق با ماده ۲ قانون مطبوعات، تذکر گرفتند. همچنین به نشریه «همسایه سبز» به دلیل عدم پایبندی به رسالت مطبوعاتی به ویژه مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری و ترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی به استناد عدم رعایت ماده ۲ قانون مطبوعات و به نشریه «آفتاب اسرار» به دلیل درج موضوع عرفانی در شناسنامه نشریه برخلاف زمینه مصوب، به استناد ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات تذکر داده شد. هیات نظارت بر مطبوعات با تغییر صاحب‌امتیازی نشریات «فرهنگ و عدالت» و «دوستان» به «موسسه فرهنگی و هنری ارتباط بران پویا» و با تغییر مدیرمسوولی نشریات گیاه‌شناسی ایران، تحقیقات حمایت و حفاظت جنگل‌ها و مراتع ایران، تحقیقات جنگل و صنوبر ایران، تحقیقات ژنتیک و اصلاح گیاهان مرتعی و جنگلی ایران، تحقیقات علوم چوب و کاغذ ایران، تحقیقات مرتع و بیابان ایران به حسین میرزایی‌ندوشن موافقت کرده است. همچنین این هیات موافقت خود را با تغییر صاحب‌امتیازی نشریات «صنعت بیمه» به محمدرضا نوتاش، «فصلنامه کتاب» به حبیب‌الله عظیمی، «دانش انتظامی» به عبدالله مجیدی، «IRANIAN JOURNAL OFPHARMA CEUTICALR ESEARCH» به حسین وحیدی، «نامه گناباد» به ابوالقاسم شفیعی، «آشپزی خانواده سبز» به مهدی اسماعیل‌تبار، «بندر و دریا» به محمدرضا امامی، «تیرانداز» به سیدمهدی هاشمی و «پسته ایران» به محمد عبداللهی‌عزت‌آبادی اعلام کرد.

محمدباقر قالیباف:

# مهم‌ترین ایراد، عدم هماهنگی بین دولت و شهرداری است

**شرق:** محمدباقر قالیباف می‌گوید شاید مهم‌ترین ایراد شهرداری تهران «عدم هماهنگی» بین شهرداری و دولت است که باعث شده نتوانند خدمات بیشتری به مردم ارائه کنند. شهردار تهران در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه مهم‌ترین ایرادی که قالیباف نسبت به فعالیت اجرایی خود می‌تواند داشته باشد چیست، گفت: «شاید مهم‌ترین ایراد ما عدم هماهنگی بین شهرداری و دولت است، چرا که ما نتوانسته‌ایم به دلیل همین نبود هماهنگی‌ها خدمات بیشتری را به مردم ارائه کنیم.» بر اساس گزارش ایسنا قالیباف روز گذشته در مرکز ارتباط مردمی ۱۸۸۸ قضاوت اینکه در این عدم هماهنگی چقدر شهرداری مقصر بوده است را به مردم واگذار کرد. شهردار تهران در پاسخ به سوال دیگری درباره اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها و همراهی شهرداری تهران توضیح داد: «این طرح از اقدامات ضروری کشور بوده است و اینکه مجلس و دولت تصمیم به اجرای آن گرفته‌اند بسیار مهم و اقدام ملی تلقی می‌شود و قطعاً شهرداری نهایت همکاری را با این طرح خواهد داشت.» او معتقد است در این روزها فشار زیادی به ناوگان حمل و نقل عمومی، به خصوص تاکسی‌ها وارد می‌شود، بنابراین امیدوار است تا هفته بعد نرخ‌های جدید تعیین شود و بسیاری از تاکسی‌ها از بلاتکلیفی خارج شوند. به گفته او «شهرداری تهران تلاش می‌کند خدمات مناسب را همانند گذشته ارائه کند، اما طبیعی است افزایش هزینه‌های سوخت، افزایش هزینه‌ها را هم به همراه دارد، اما پذیرفته‌ایم که با دولت همراهی داشته باشیم.» قالیباف در پاسخ به این سوال که آیا شهرداری ۱۵ درصد افزایش نرخ کرایه تاکسی را که از سوی دولت اعلام شده و مورد تاکید قرار گرفته است، قبول دارد یا نه، گفت: «در حال حاضر در مورد نرخ کرایه تاکسی‌ها بررسی کارشناسی در حال انجام است و من فعلاً در مورد نرخ‌ها اعلام نظر نمی‌کنم و این رقم‌ها هفته بعد اعلام می‌شود.» شهردار تهران درباره افزایش هزینه و در عین حال شرایط سخت خدمت‌رسانی برای بسیاری از بخش‌های شهرداری از جمله جمع‌آوری زباله ادامه داد: «قطعاً با افزایش هزینه‌های انرژی، هزینه کالا و خدمات نیز افزایش می‌یابد و ما این موارد را در ارائه خدمات خود محاسبه کرده‌ایم. ستادی به عنوان بررسی وضعیت سیاست‌های جبرانی در دولت تشکیل شده و قرار است در مورد هزینه‌های به وجود آمده در صنعت حمل و نقل اعلام نظر و سیاستگذاری کند.» به اعتقاد او یارانه‌ها در مورد سوخت و انواع حامل‌های انرژی هدفمند شده است و حتماً در این سیاست‌ها برای شهرداری‌ها نیز سیاست‌های جبرانی در نظر گرفته می‌شود. قالیباف اظهار امیدواری کرد این سیاست‌های جبرانی تا پایان سال قطعی شده و دولت بسیاری از موارد را برای شهرداری‌ها جبران کند. شهردار تهران می‌گوید اگر جبران این هزینه‌ها صورت گرفت که دولت آن را پرداخت کرده است و در غیر این صورت با هماهنگی دولت نرخ‌هایی را برای حمل و نقل عمومی و سایر خدمات تعیین خواهیم کرد. قالیباف گفت: «شرکت‌هایی که در حال حاضر به عنوان پیمانکار با شهرداری در ارتباط هستند، قراردادهای مشخصی دارند که تا پایان سال روال عادی را طی می‌کند و برای سال بعد نیز در جریان بودجه این افزایش هزینه‌ها را محاسبه کرده‌ایم.» وی با بیان اینکه به احتمال زیاد بودجه سال ۹۰ شهرداری تا دو هفته دیگر به شورای شهر تهران تحویل داده می‌شود، ادامه داد: «در این بودجه تمام اثرات مستقیم و غیرمستقیم ناشی از اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها لحاظ شده است.» قالیباف در ادامه در پاسخ به سوالی در رابطه با رعایت نشدن مبحث «۱۹» مقررات ملی ساختمان از سوی کارکنان شهرداری‌ها و ادعای سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت در مورد عدم رعایت این مقررات ملی ساختمان گفت: «مبحث ۱۹ ساختمان را تنها نباید شهرداری رعایت کند، بلکه سازمان‌های دیگری از جمله سازمان نظام مهندسی نیز در آن دخیل هستند. به عنوان مثال اجرای نقشه‌ها و نظارت بر آنها بحث‌های متفاوتی دارد که باید در مورد آنها نیز پیگیری صورت گیرد.» او ادامه داد: «مقررات ملی ساختمان شرایط مختلفی دارد که از جمله آن تولید مصالح، به کارگیری آن در ساختمان و نیز شرایط ایمنی ساختمان است، اما می‌توانم به طور کلی بگویم که مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان به طور کلی در کشور بسیار ضعیف اجرا می‌شود و در شهر تهران نیز این شرایط وجود دارد.» شهردار تهران به این سوال که شما در آخرین حضورتان در شورای شهر تهران نسبت به اجرایی نشدن توافقنامه سه‌جانبه شورای شهر تهران و شهرداری تهران و نیز سازمان نظام مهندسی اعتراض و اعلام کردید که امکان توقف صدور شناسنامه فنی ساختمان را دارید، اما این امر محقق نشد، پاسخ داد: «من این دستور را ابلاغ کردم و به صراحت نوشتم که اجرای قانون به طور کامل از سوی سازمان نظام مهندسی اجرایی نمی‌شود و شورای شهر تهران از شهرداری خواست این موضوع را به طور جدی پیگیری کند.» قالیباف می‌گوید من نمی‌توانم جلوی اجرای قانون را بگیرم و باید روندهای اصلاحی در مورد این مسیر انجام شود. او در پاسخ به این سوال که آیا در هفته گذشته با بنیاد تعاون ناجا جلسه‌ای داشته‌اید یا نه، ضمن بیان اینکه جلسه‌ای نداشتم، گفت: «شرایط «قلعه‌مرغی» در حال پیگیری است و در حال حاضر بارگذاری‌های آن در کمیسیون ماده «پنج» تصویب شده و منتظر بررسی در شورای عالی شهرسازی و معماری هستیم.» شهردار تهران تاکید کرد همزمان با طراحی این طرح، طراح کار خود را آغاز کرده است و تا زمانی که این طرح آغاز نشود، کار اجرایی را شروع نمی‌کنیم. او گفت: «با توجه به اینکه کار پیش‌بینی شده در قلعه‌مرغی مهم و بزرگ است، باید برای شورای عالی شهرسازی و معماری نیز ارسال می‌شد، اما منتظر نمی‌مانیم و طراح کار خود را انجام خواهد داد. این طرح علاوه بر کمیسیون ماده پنج و شورای عالی شهرسازی و معماری طبیعتاً به شورای شهر تهران ارسال می‌شود.» شهردار تهران در پاسخ به سوال دیگری در رابطه با عملکرد دو کمیته‌ای که تاکنون برای پیگیری اعتبارات ارزی و یارانه‌ای مترو و نیز برخی مسائل مربوط به تهران در شورای شهر تهران تشکیل شده تا با دولت و مجلس شورای اسلامی مذاکره و رایزنی داشته باشند، توضیح داد: «در مورد تاثیرگذاری این کمیته‌ها باید از آقای چمران سوال شود، البته من نمی‌توانم اعتراضی داشته باشم. از نظر من این پیگیری‌ها باید بیشتر از طرف مجلس باشد، چرا که موارد قابل پیگیری قانون هستند و مجلس یا باید قانون را اجرا کند یا پس بگیرد.»

## شرایط ارائه خدمات گذرنامه به ایرانیان مقیم خارج

**شرق:** پلیس گذرنامه نیروی انتظامی برای ارائه خدمات گذرنامه به هموطنان مقیم خارج از کشور شرایط جدیدی اعلام کرد لذا تمام هموطنانی که در قسمت «کشور محل اقامت» گذرنامه آنان نام یکی از کشورهای خارجی قید شده و از تاریخ ورود آنها به ایران شش ماه کامل نگذشته باشد از نظر پلیس گذرنامه مقیم شناخته می‌شوند. اداره گذرنامه از این هموطنان خواسته است هنگام مسافرت به ایران مدارک ذیل را به همراه داشته باشند. ۱- شناسنامه شخص و همراهان، گذرنامه خارجی، کارت سبز (گرین‌کارت)، مدارک وظیفه عمومی (پایان خدمت یا معافی)، موافقت ولی یا قیم برای فرزندان زیر ۱۸ سال که به تایید نمایندگی ایران رسیده باشد و موافقت همسر برای بانوان شوهردار در صورتی که احتمال می‌دهند بیشتر از شش ماه در ایران توقف داشته باشند. ۲- چون ارائه کد ملی در صدور گذرنامه جدید الزامی است و هموطنان مقیم خارج از کشور ممکن است در صورت مسافرت به ایران نیاز به تعویض گذرنامه پیدا کنند لذا می‌توانند با در دست داشتن شناسنامه به ادارات ثبت احوال مراجعه و اقدام به تهیه شماره ملی کنند. ۳- هموطنان مقیم که مهر خروج مکرر صادره از نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در گذرنامه آنها درج است تا اعتبار گذرنامه می‌توانند به دفعات به کشور وارد شده یا از کشور خارج شوند مشروط به اینکه بیش از شش ماه در ایران توقف نداشته باشند. این افراد در صورتی که بیش از شش ماه در ایران توقف کنند اجازه خروج از کشور آنها منوط به مراجعه به پلیس گذرنامه و درج مهر اجازه خروج است. ۴- گذرنامه هموطنان مقیم که پس از تاریخ یکم آذرماه ۸۶ صادر شده، فاقد مهر اجازه خروج است و دارندگان این قبیل گذرنامه‌ها می‌توانند به دفعات تردد کنند، مشروط بر اینکه توقف آنها در ایران بیش از یک سال نباشد. ۵- هموطنان مقیم که گذرنامه آنها قبل از تاریخ یکم آذرماه ۸۶ در داخل یا خارج از کشور صادر شده با رعایت محدودیت‌های مندرج در مهر اجازه خروج می‌توانند تردد کرده یا با تقاضای تعویض گذرنامه در داخل یا خارج از کشور مشمول مقررات بند ۴ (بند قبلی این آگهی) شوند. ۶- چنانچه هموطنان مقیم بخواهند پس از ورود به ایران و قبل از سپری شدن شش ماه از تاریخ ورود نسبت به تغییر محل اقامت خود به ایران اقدام کنند، لازم است ضمن مراجعه به پلیس گذرنامه و تسلیم درخواست کتبی یک مدرک معتبر سکونت در ایران مانند سند منزل، سند مالکیت زمین و نامه از مدرسه فرزندان دال بر تحصیل در ایران و... که حتماً باید تاریخ آنها پس از تاریخ ورود به ایران باشد، ارائه کنند.

## قلعه فرانسوی‌ها در شوش در حال نابودی است

**مهر:** قلعه فرانسوی‌ها در شوش به دلیل مرمت‌های غیراصولی و همچنین عوامل مختلفی مانند اثرات باد و باران‌های زیاد، ترک‌های گاه و بیگاه و ترکش‌های باقیمانده از جنگ ایران و عراق دچار آسیب‌های شدید شده است، به نحوی که این بنای تاریخی دیگر توان پذیرش گردشگران به صورت گروهی و روزمره را ندارد. دهه ۷۰ میلادی فرانسوی‌ها از شوش خارج شدند تا شوش باستانی را به دستان باستان‌شناسان وطن بسپارند.

پیگیری‌ها و مکاتبات دولت ایران برای بازپس‌گیری قلعه فرانسوی‌ها که بر روی تپه آکروپل ساخته شده بود منجر به تحویل اسناد و مدارک این قلعه در سال ۱۳۷۳ از سوی دولت فرانسه به ایران شد. قلعه آکروپل که به قلعه شوش یا قلعه فرانسوی‌ها نیز معروف است به دست هیات باستان‌شناسی فرانسوی در سال ۱۸۹۷ میلادی بر روی بلندترین نقطه شهر شوش بنا شده است و شباهت بسیار زیادی به زندان باستیل فرانسه دارد که با استفاده از آجرهای به دست آمده از کاخ داریوش و تعدادی از آجرهای منقوش به خط میخی چغازنبیل به دست معماران دزفولی بنا شده است. این قلعه که ساخت آن ۱۵ سال به درازا کشید بر روی تپه‌ای باستانی ساخته شده که مجسمه معروف نامیراستون، لوح یا کتیبه معروف حمورابی و لیوان مشهور سفالی شوش به رنگ نخودی و نقش بز کوهی از مهم‌ترین آثار به دست‌آمده از آن تپه است. سخنگوی انجمن دوستداران میراث فرهنگی تاریانا خوزستان با اعتقاد بر اینکه عوامل مختلف دست به دست هم داده‌اند تا عمر قلعه را کوتاه کنند، گفت: اثرات باد و باران‌های زیاد، ترک‌های گاه و بیگاه قلعه‌ای که پی ندارد، جای ترکش‌های باقیمانده از جنگ ایران و عراق با دایره‌ای به قطر دو متر، در بخش‌های مختلفی از قلعه قابل مشاهده است. مجتبی گهستونی با اشاره به اینکه کتیبه‌های این قلعه به عنوان راوی بخشی از تاریخ ایران با خطر فرسایش مواجه هستند، گفت: آیا گردشگران و دانشجویان رشته‌های باستان‌شناسی، معماری و مرمت که با نامه‌نگاری موفق می‌شوند پا به درون این قلعه بگذارند می‌دانند اگر مراقب نباشند در حیاط طبقه دوم قلعه در زیر پایشان از کتیبه‌های تاریخی به عنوان سنگفرش استفاده شده است. مسوول مراقبت از این اسناد در مقابل فرسایش‌های طبیعی و شاید رفت و آمدهای افراد کیست؟

## پاسخ سازمان میراث فرهنگی به نامه انتقادی استادان

ادامه از صفحه اول

«تدوین‌کنندگان و طراحان اصلی» این نامه از کدام مدیران غیر متخصص به عنوان آفت میراث فرهنگی سخن می‌گویند؟ اگر مدیرانی که شما ایشان را غیرمتخصص نامیده‌اید توانسته‌اند بعضاً گره‌های ۴۰ ساله از میراث فرهنگی این کشور باز کنند، که باید دست ایشان را نیز بوسید... هر چند که می‌توان مشکلات چند ده ساله میراث فرهنگی را به پای این سازمان نیز نوشت و از آنها مطالبه داشت!

۳- در سالیان قبل وقایع ناگوار و اتفاقات تلخی در حوزه میراث فرهنگی کشور رخ داده که دل هر عاشق تاریخ و میراث فرهنگی کشور را به درد می‌آورد، اما واکنش قابل توجهی از هیچ یک از اساتید تدوین‌کننده و طراحان اصلی این نامه مشاهده نشده است. مروری بر سیاهه شماری از این وقایع مفید خواهد بود:

- انبارهای موزه ملی ایران، سالیان سال باز نشده و بسیاری از آثار تاریخی ارزشمند ایران بدون هیچ نوع رسیدگی، در بدترین وضعیت و مخاطرات نگهداری می‌شدند... اما کدام یک از «تدوین‌کنندگان و طراحان اصلی» این نامه، در تمام این سال‌ها اهمیتی برای این موضوع قائل بوده و واکنشی سزاوارانه در برابر این وضعیت اسفناک نشان داده بودند؟!

- محوطه‌های تاریخی متعددی در سالیان قبل به بهانه کاوش گروه‌های کاوش خارجی به ویژه انگلیسی‌ها تحت غارت مستقیم و غیر مستقیم بوده است. در این باره، کدام یک از «تدوین‌کنندگان و طراحان اصلی» این نامه، به اعتراض نسبت به این موج ویرانگر در باستان‌شناسی کشور پرداختند؟!

- برج جهان‌نما در سالیان قبل و در دوره فعالیت شماری از «تدوین‌کنندگان و طراحان اصلی» این نامه ساخته شد و مشکلات عظیمی را برای مجموعه جهانی نقش جهان پدید آورد که سرانجام نیز در دوران دولت خدمتگزار این مشکلات رفع شد. اما در دوران ساخته شدن این برج، «تدوین‌کنندگان و طراحان اصلی» این نامه چه واکنش‌هایی نشان دادند؟!

- غارت‌های جیرفت و شمار زیادی از محوطه‌های تاریخی کشور در سالیان قبل رخ داد اما در همان دوران، «تدوین‌کنندگان و طراحان اصلی» این نامه چه واکنشی نسبت به این موارد نشان دادند؟!

- در خصوص اعطای مداوم بورس‌های تحصیلی و مطالعاتی در خارج از کشور به ویژه امریکا و انگلیس در سالیان قبل و مواردی از این قبیل، «تدوین‌کنندگان و طراحان اصلی» این نامه چه پاسخی دارند؟!

- پس از سال‌ها تلاش ناکام، سرانجام به همت بلند مسوولان سازمان میراث فرهنگی در دولت خدمتگزار و با ملحوظ نمودن عزت و اقتدار ایران عزیز، منشور کوروش به ایران منتقل و نمایش داده شد. در این خصوص واکنش «تدوین‌کنندگان و طراحان اصلی» این نامه چه بوده است؟!

- آیا انعقاد قراردادهای هنگفت باستان‌شناسی در سالیان قبل و واگذاری انجام آنها به دانشجویان خدوم این حوزه به بهایی اندک، جز به معنای استثمار دانشجویان باستان‌شناسی کشور بوده است؟ در این خصوص ، پاسخ یا واکنش «تدوین‌کنندگان و طراحان اصلی» این نامه چیست؟! این موارد و مصادیقی که شمار آنها بسیار بیش از حد تصور است، یک پرسش اساسی را فراروی فعالان صدیق و دانشجویان ارجمند باستان‌شناسی کشور قرار می‌دهد: «چگونه است که سالیان سال در برابر این فجایع و وقایع ناگوار در حوزه باستان‌شناسی کشور سکوتی نفسگیر برقرار بوده، اما اکنون در خصوص موضوع انتقال دو معاونت سازمان به دو استان تاریخی و فرهنگی کشور، چنین موج عجیب و مشکوکی به راه افتاده است؟!»

۴- همت و تلاش سازمان میراث فرهنگی در سال‌های اخیر بر اصلاح، ساماندهی، شفاف‌سازی و سالم‌سازی حوزه باستان‌شناسی کشور نهاده شده و در این مسیر خطیر، از هیچ گونه اقدام تخریبی یا مقاومت تخطئه‌آمیز هراسی نداشته و به صراحت اعلام می‌داریم طرح این گونه بحث‌ها مقوله‌ای انحرافی است که نمی‌تواند عزم سازمان را برای تحقق این هدف ویژه دچار خلل یا توقف نماید. ای کاش «تدوین‌کنندگان و طراحان اصلی» این نامه، به جای طرح این گونه مباحث انحرافی و غیرکارشناسانه و به جای تدوین متنی کلی‌گویانه، منظور اصلی خود را بیان می‌کردند!

۵- برآنیم که بزرگ‌نمایی باستان‌شناسی قبل از اسلام، مصداق بارز «باستان‌گرایی» است که نگاهی عاری از رویکردهای تخصصی به باستان‌شناسی است. باستان‌شناسی در ایران در متن اسلام معنا می‌یابد و هر رویکرد یک‌سویه دیگری قویاً مذموم و مطرود است. متاسفانه برخی از افرادی که نام ایشان در نامه مذکور آمده، معتقد به نوعی انحصارطلبی موضوعی در باستان‌شناسی هستند. این اساتید صرفاً معتقد به باستان‌شناسی قبل از ورود اسلام به ایران هستند که این رویکرد، مصداق همان باستان‌گرایی افراطی است.

۶- از سوی دیگر برخی از «تدوین‌کنندگان و طراحان اصلی» این نامه، از جمله باندهای انحصارگر باستانشناسی به شمار می‌رفتند که سال‌ها رانت‌های خاص در اختیار داشته و هم‌اکنون منافع خود را با برخی جابه‌جایی‌ها از دست رفته و در خطر می‌بینند. بدیهی است فهرست پروژه‌های متعدد ایشان که هم‌اکنون دچار افت یا تغییراتی شده موجود و قابل انتشار عمومی است تا همگان از ریشه اصلی برخی نگرانی‌ها و عشق دروغین به میراث کشور مطلع شوند.

۷- پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، در حال آماده‌سازی شماری از پرونده‌ها و مستندات فراوان از تعداد زیادی از قراردادهای منعقده با «تدوین‌کنندگان و طراحان اصلی» این نامه در سالیان قبل و حاصل و خروجی واقعی آنها جهت ارائه به مراجع ذی‌صلاح است که همگی مصداق همین رویکردهای انحرافی بوده است.

۸- همچنین لازم به ذکر است تعدادی از امضاکنندگان نامه مذکور، پس از تشکیل شورای عالی باستانشناسی کشور، علاقه‌مند و متقاضی عضویت در این شورا بودند که بنا بر پاره‌ای ملاحظات و گرایش‌هایی که پیشتر نیز به نمونه‌ای از آن اشاره شد، چنین امکانی برای ایشان فراهم نشد که این امر نیز زمینه‌ساز حملات ایشان به سازمان میراث فرهنگی کشور شده است.

## غار باستانی «پیده» خوزستان همچنان در آتش می‌سوزد

**ایسنا:** یک‌ماه از آتش گرفتن غار باستانی «پیده» در لالی استان خوزستان می‌گذرد ولی هنوز این آتش خاموش نشده است! حمید جهانبخش مربی غارنوردی پس از اطلاع یافتن از آتش گرفتن این غار باستانی که گفته می‌شود از نخستین سکونتگاه‌های انسان دوره پارینه‌سنگی با حدود ۱۵ هزار سال قدمت است، گفت تاکنون چندبار از غار «پیده» دیدن کرده است. وی گفت: تمام خفاش‌های داخل این غار بر اثر دود و گاز متصاعدشده از آتش گرفتن فضولات حیوانی انبوه‌شده در غار «پیده» مرده‌اند و به نظر می‌رسد، جانداران دیگر هم آسیب دیده باشند، چون در چند مرحله بازدید از غار، موجوداتی را که قبل‌تر مشاهده می‌کردم، دیگر ندیدم. او بیان کرد: مرگ خفاش‌ها یک فاجعه است که اثر آن را سال آینده می‌توان دید، چون خفاش‌ها به‌دلیل تغذیه از حشرات، نظم طبیعی منطقه را حفظ می‌کنند و به نظر می‌رسد، اکنون کسی متوجه فاجعه به بار آمده نیست. جهانبخش ادامه داد: هنوز آتش در زیر فضولات انبوه‌شده گوسفندان که زمانی در این محل نگهداری می‌شدند، روشن است. با این وضع، راه رفتن در غار خیلی سخت شده است و به همین دلیل، خاموش کردن این آتش به تجهیزات آتش‌نشانی نیاز دارد. او در ادامه گفت: دود، فضای داخلی غار را فراگرفته است و اصلاً تنفس در آنجا امکان‌پذیر نیست. این در حالی است که آتش‌نشانی با غار فاصله زیادی ندارد و وجود جاده نیز راه دسترسی به غار را آسان کرده، ولی تاکنون برای خاموش کردن این آتش هیچ اقدامی نشده است. جهانبخش بیان کرد: تاکنون مسوولان استانی هیچ نماینده‌ای را برای بررسی وضعیت این غار باستانی، بهبود اوضاع آن یا حتی خاموش کردن آتش نفرستاده‌اند، فقط برخی افراد به نمایندگی از اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری خوزستان برای اعتراض آمدند و گفتند چرا سخنانی را درباره پیشینه تاریخی غار «پیده» مطرح کرده‌ام، درحالی‌که اصلاً متخصص غار نیستم. این در شرایطی است که من تمام مدارک مربوط به غارنوردی و کوهنوردی را از فدراسیون مربوطه در اختیار دارم و درباره غار باستانی «پیده» اطلاعات مستندی جمع‌آوری کرده‌ام.

## یادداشت

### جهد آکادمیک

سهام‌الدین بورقانی

زمانی که می‌خواستم وارد دانشگاه شوم کم و بیش از حال و هوا و به طور کلی جو علمی و اوضاع آموزشی مطلع بودم. اما چند ماهی لازم بود تا متوجه شوم که اوضاع بسیار متفاوت‌تر از آنی است که پنداشته بودم.

تصویر دانشگاه علامه طباطبایی دانشگاهی نبود که در تصوراتم نقش بسته بود. فکر می‌کردم در فضایی که کم و بیش همه دانشگاه‌ها گرفتار آن هستند و به ویژه رکودی که بر رشته‌های علوم انسانی حاکم است، می‌توان اندک‌امیدی به جایی مثل دانشگاه علامه داشت. ناامید شده بودم. نمی‌دانم مشکل از من بود که بیش از اندازه به دانشگاه دل، خوش کرده بودم یا اینکه واقعاً فضای علمی دانشگاه تا این اندازه متفاوت بود. یادم می‌آید همان روزها در باب همین ناامیدی‌ها با پدرم صحبت می‌کردم، پرسیدم واقعاً فکر می‌کنم اگر به تنهایی در خانه بنشینم و برای درس خواندن برنامه‌ریزی کنم خیلی بهتر باشد. پدر اما با طمانینه نگاهم کرد و گفت: «تعجیل نکن، تو در دانشگاه با اساتیدی روبه‌رو خواهی شد که ذهنت را آکادمیک خواهند کرد و نباید از این جو ناامید شوی.» البته اشاره‌هایی هم به دیگر ویژگی‌های مثبت دانشگاه کرد که بماند.

او هیچ‌گاه امید توخالی نمی‌داد. واقع‌بینی چاشنی همیشگی حرف‌هایش بود و از این رهگذر همیشه امید را در دل‌های ما زنده می‌کرد. این عقیده او البته تضادی با سخن یکی از اساتید سختکوش، دانشمند و عزیزم در باب دانشگاه‌های ما نداشت، همیشه به من می‌گفت: «دانشگاه‌های ما شبیه کارخانه‌هایی شده‌اند که گوشت تازه و سالم وارد آنها می‌شوند و از سوی دیگر کالباس بدبو بیرون می‌دهند.» باری، حرف هر دو درست بود، اما در همین دانشگاه هم می‌شد به امیدهایی دل‌زنده بود.

اندک زمانی گذشت و نظر پدر را به شکل ملموس حس کردم؛ زمانی که پا به کلاس «نظریه‌های جامعه‌شناسی» دکتر محمد عبداللهی گذاشتم. ایشان، دکتر پرویز پیران، دکتر محمدرضا شادرو و دکتر محمود شهابی از معدود اساتیدی بودند که دانش و مهارت‌شان در تدریس زبانزد دانشجوها بود. از ایشان واقعاً آموخته‌ام. کم پیدا می‌شود مثل اینها. زنده‌یاد دکتر عبداللهی مدرک دکترای خود را در سال ۵۷ از دانشگاه میشیگان امریکا گرفته بود و نظریه‌ها را به غایت شیرین و قاعده‌مند تدریس می‌کرد. از آنهایی که هم خوب خوانده بود و هم نیکو تدریس می‌کرد. کلاس‌هایش همیشه مملو از دانشجو و علاقه‌مندان بود. دانشجو هیچ اجباری در درس خواندن نمی‌دید و به سرعت جذب درس و فرهیختگی استاد می‌شد. در نود درصد کلاس‌ها اساتید متکلم وحده بودند اما در کلاس ایشان اوضاع فرق می‌کرد. اکثر بچه‌های کلاس ناخودآگاه وارد بحث می‌شدند، حتی آنهایی که همیشه فراری بودند. در برخی کلاس‌ها آنچنان استاد متعصبانه و غیرعلمی صحبت می‌کرد که در اواسط ترم، بعضی‌ها را می‌دیدی که کتاب در دست گرفته‌اند و مطالعه خودشان را می‌کنند. کلاس دکتر عبداللهی اما چنین نبود و همه چشم‌ها و گوش‌ها متوجه ایشان بودند. بیشتر ماها درس را قبل از کلاس مرور کرده بودیم و کاملاً مهیای شنیدن درس جدید استاد بودیم. دکتر عبداللهی مثل خیلی از اساتید دیگر دیدگاه‌های جانبدارانه و قضاوت‌های ایدئولوژیک نداشت. واقع‌نگر بود و جامعه‌شناسی را برای جامعه‌شناسی تدریس می‌کرد. همیشه از رکود در دانشگاه گلایه داشت و همه را به مطالعه بیشتر و بیشتر دعوت می‌کرد و می‌گفت بی‌حساب بخوانید. جالب اینکه حرف او خیلی سریع اثر خودش را می‌گذاشت و همه با علاقه و مطالعه بسیار در کلاس حاضر می‌شدند. بسیار دقیق بود و مباحث گوناگون جامعه‌شناسی را به نکات ریز و ظریف خرد می‌کرد و به این ترتیب یادگیری‌شان راحت‌تر می‌شد. به یاد ندارم کسی از او رنجیده باشد. ساده‌تر، مهربان‌تر، صبورتر و خوش‌خلق‌تر از آن بود که تصور شود. در اتاق کوچکش در دانشکده علوم اجتماعی همواره به روی دانشجوها گشوده بود. هرکجا جلویش را می‌گرفتی تا سوال یا موضوعی را مطرح کنی، با صبر و حوصله فراوان می‌ایستاد، گوش می‌کرد و نظرش را بی‌تک